

مجله شبان

مؤسسه "تعلیم" تقدیم می‌کند TALIM Ministries

شماره ۴۰، سال ششم، دسامبر ۲۰۰۶

مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین به‌منظور تشویق و تعلیم و تجهیز ایشان



فهرست مطالب

● تجهیز مقدسان:

بخش ششم: عطاى تشویق (تت استیوآرت)

● حضور همراهی‌کننده روح‌القدس:

نقش روح‌القدس در تهیه و ارائه موعظه (ترجمه میشل آقامالیان)

● آشنایی با فرقه‌های مسیحیت

بخش چهارم: ژان کالون و کلیساهای پرزبیتری (آرمان رشدی)

● تشخیص دعوت الهی برای خدمت

بخش پنجم: چگونه دعوت خود را کشف کنیم (تت استیوآرت)

تجهیز مقدسان

بخش ششم: عطا تشویق

نوشته کشیش تَت استیوآرت

”چنانکه می‌دانید، رفتار ما با یکدیگر شما چون رفتار پدری با فرزندش بود. شما را تشویق کرده، دلداری می‌دادیم و سفارش می‌کردیم که شیوه رفتارتان شایسته خدایی باشد که شما را به پادشاهی و جلال خود فرا می‌خواند“ (اول تسالونیکیان ۲: ۱۱-۱۲، ”هزاره نو“).

در شماره‌های پیشین، با یکدیگر عطاهاى انگیزش‌دهنده روح‌القدس را که در رومیان ۱۲: ۶-۸ آمده، بررسی کردیم؛ اینک به عطاى ”تشویق“ یا نصیحت می‌رسیم که در آیه ۸ ذکر شده است. اساس عقیده ما این است که به هر ایمانداری مجموعه‌ای از عطاها داده شده که یکی از آنها غالب است و در خدمت ایماندار، نقشی انگیزش‌دهنده بازی می‌کند. کلمه ”تشویق“ در یونانی واژه ”پاراکلیت“ است، به معنی کنار کسی قرار گرفتن برای سهیم شدن در نیازهای او و ارائه کمکهای الهی به وی. این همان نامی است که به روح‌القدس داده شده که الگوی کامل ما به عنوان مشوق و تسلی‌دهنده است. در اینجا منظور ما این است که شخص مشوق می‌تواند بنا به اقتضای موقعیت، تشویق یا توبیخ کند.

عطایی برای همه

تشویق عطایی است روحانی، اما درضمن، خدمتی است که تمام بدن مسیح باید در آن سهیم باشد. کتاب مقدس ما را سفارش کرده به اینکه همگی مشوق یکدیگر باشیم؛ این امر کمک می‌کند تا ماهیت عطای تشویق روشنتر گردد.

تشویق به رشد

نخست، از همه ما انتظار می‌رود تا یکدیگر را به رشد در مسیح تشویق کنیم. پولس می‌فرماید: ”ما او را وعظ می‌کنیم، و هر کس را با کمال حکمت پند می‌دهیم و می‌آموزیم، تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم“ (کولسیان ۱: ۲۸). همه ایمانداران باید یکدیگر را تشویق کنند تا در کلام بمانند و برای دعا وقت صرف کنند و در حضور در جلسات به منظور الهام یافتن از یکدیگر وفادار باشند.

تشویق به هنگام سختی‌ها

دوم، خدا حکم کرده که یکدیگر را در مواقع اندوه و ماتم و دلسردی، تسلی دهیم. پولس در دوم قرنتیان ۴:۱ چنین می‌فرماید: ”که به ما در همه سختی‌هایمان دلگرمی می‌بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختی‌ها می‌گذرند، دلگرم سازیم.“ ما باید در کنار برادر و خواهر رنج‌دیده خود بایستیم و بگذاریم احساس کنند که به آنان توجه داریم، و نیز از طریق کلام خدا و دعا، به ایشان امید ببخشیم.

مشاوره بر اساس کلام

سوم، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که باید خدمت ارائه مشاوره به دیگران را داشته باشیم، مشاوره بر اساس حکمت خدا. فرمایش پولس رسول در رومیان ۱۴:۱۵ مرا عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ می‌فرماید: ”ای برادران، من خود این اطمینان را دارم که شما خود از نیکویی مملو، و از معرفت کامل برخوردارید و به پند گفتن به یکدیگر نیز توانایی.“ خدمت تشویق ما شامل آگاهی کامل از کلام خداست، طوری که بتوانیم حکمت و مشورت آن را به راحتی با آنانی که در سختی‌های زندگی درمانده هستند، در میان بگذاریم.

خصوصیات مشوق

تا به اینجا، در این مجموعه از مقالات، یکی از شخصیت‌های کتاب مقدس را مورد بررسی قرار داده‌ایم که به روشنی ویژگی‌های عطای روحانی مورد بحث ما را دارا بوده‌اند. به نظر من، پولس رسول یک مشوق بود؛ اکنون با بذل توجه به خصوصیات بارز خدمت او، امید دارم که بتوانید تشخیص دهید که آیا از این عطای فوق‌العاده برخوردار هستید یا نه.

به سمت رشد روحانی تشویق می‌کند

تشویق‌کنندگان انگیزشی قوی در خود احساس می‌کنند تا دیگران را به رشد روحانی سوق دهند. با مطالعه‌ای دقیق، این موضوع را در رسالات پولس مشاهده خواهید کرد. در کولسیان ۲:۲۸-۲۹، پولس اعلام می‌دارد که هدفش در خدمت، موعظه در باره مسیح است و اینکه هر کس را با هر حکمتی تشویق کند تا ”همه را کامل در مسیح حاضر“ سازد. شخص تشویق‌کننده فقط به موعظه کردن اکتفا نمی‌کند؛ او مشتاق است نتایج را در زندگی شنوندگانش ببیند و اغلب ساعت‌ها بعد از اتمام جلسه در کلیسا می‌ماند تا با مردم در باره مسیح سخن بگوید.

مشکلات دیگران را تشخیص می‌دهد

تشویق‌کنندگان قابلیت زیادی برای تشخیص سریع وضعیت روحانی دیگران را دارند و با ایشان در سطح درک و رشدشان سخن می‌گویند. پولس این عطا را در رساله‌اش به مسیحیان قرنتس ظاهر می‌سازد؛

می‌فرماید: ”اما ای برادران، من نتوانستم با شما همچون اشخاص روحانی سخن بگویم، بلکه همچون اشخاصی نفسانی سخن گفتم، یعنی مانند کسانی که در مسیح، کودک نوزادند“ (اول قرن‌تینان ۳:۱). تعلیمی که تشویق‌کننده می‌دهد، تأثیر بیشتری بر شنوندگان می‌گذارد زیرا ایشان احساس می‌کنند که به کسی گوش می‌دهند که از مشکلاتشان با خبر است. به این ترتیب، تعلیمش قابل درک و معمولاً بسیار عملی است.

عمل‌گرا است

تشویق‌کنندگان در خدمتشان معمولاً بسیار عمل‌گرا هستند و اغلب اوقات قدم‌های عملی مشخصی ارائه می‌دهند که برای رشد روحانی ضروری است. ایشان اغلب استعداد زیادی دارند در استفاده از منطق و تمثیل‌ها برای روشن ساختن حقیقت. دوست دارند از نمودارها و وسایل بصری استفاده کنند تا حقیقت قابل اجرا گردد. اگر بتوان معلم را به یک محقق تشبیه کرد، مشوق را می‌توان به جراحی تشبیه کرد که بدن بیمار را می‌شکافد و آنچه را که مانع سلامتی است، می‌برد.

آینده‌ای درخشان‌تر را می‌بیند

تشویق‌کنندگان می‌توانند شرایط کنونی شخص را ببینند و بدانند که وی در مسیح می‌تواند تبدیل به چه شخصی شود. پولس رشد روحانی ایمانداران در شهر فیلیپی را می‌دید؛ از اینرو به آنان چنین نوشت: ”ای برادران، با هم از من سرمشق بگیرید، و توجه خود را به کسانی معطوف کنید که مطابق الگویی که در ما سراغ دارید، رفتار می‌کنند“ (فیلیپیان ۳:۱۷). می‌گویند واعظ معروفی که عطای تشویق داشت، به‌هنگام موعظه، تاجهایی را دید که بر سر هر یک از شنوندگانش قرار گرفته بود، و می‌دید که ایشان آنقدر رشد خواهند کرد که شایسته آن گردند. مشوقین می‌توانند با کسانی که زندگی به‌هم‌ریخته‌ای دارند، شکیباتر باشند، زیرا می‌توانند به ایشان کمک کنند که بر مشکلاتشان فائق آیند و در ایمان رشد کنند.

مشکلات را استقبال می‌کند

با نهایت تعجب، تشویق‌کنندگان از مشکلات شخصی در زندگی خود و دیگران، استقبال می‌کنند، زیرا می‌دانند بحران‌های زندگی چه قدرتی برای رشد روحانی به‌همراه می‌آورد. پولس به مشکلات خود به‌شکلی منحصربه‌فرد می‌نگریست؛ او می‌نویسد: ”زیرا رنجهای جزئی و گذرای ما، جلالی ابدی برایمان به‌ارمغان می‌آورد که با آن رنجهای قیاس‌پذیر نیست“ (دوم قرن‌تینان ۴:۱۷). اگر به‌دنبال مشوقی هستید تا مشکلاتتان را با او در میان بگذارید، تعجب نکنید که او بجای همدردی با شما، به هیجان بیاید و مشکلات شما را فرصتی برای رشدتان تلقی کند. ممکن است از شما بپرسد که خدا از طریق این مشکلات چه درسی به شما می‌آموزد.

هم‌شکل مسیحیان مختلف می‌شود

تشویق‌کنندگان قابلیت بسیاری دارند برای هم‌شکل شدن با گروه‌های مختلف مسیحیان تا افراد بیشتری را جذب انجیل کنند؛ ایشان آماده‌اند تا در جزئیات سازش کنند تا هدف کلی مسیح را تحقق بخشند. پولس دل خود را در خصوص این موضوع باز می‌کند و می‌فرماید: ”همه کس را همه چیز گشتم تا به هر نحو بعضی را نجات بخشم“ (اول قرنتیان ۹: ۲۲). کسانی که عطای نبوت و تعلیم دارند، معمولاً از این امر خشنود نیستند و فکر می‌کنند که تشویق‌کنندگان دست به سازش می‌زنند. اما این تشویق‌کنندگان هستند که مجراها را برای برقراری ارتباط با طردشدگان باز نگه می‌دارند، زیرا بر این باورند که انجیل می‌تواند زندگی مردم را عوض کند و چنین نیز خواهد کرد.

صلح و صفا برقرار می‌سازند

تشویق‌کنندگان در کلیسا معمولاً صلح و صفا برقرار می‌سازند زیرا انگیزه آنان این است که میان گروه‌های مختلف مسیحیان هماهنگی ایجاد کنند، چرا که می‌دانند که علت اختلاف‌ها در کلیسا معمولاً عدم بلوغ روحانی است. بر خلاف تصور اکثر مردم، مسیحیان نابالغ در کلیساها بیشتر اختلاف و شقاق به‌وجود آورده‌اند، تا بدعت‌گزاران. پولس اشتیاق خود را به اتحاد آشکار می‌سازد و می‌نویسد: ”بیایید شادی مرا به کمال رسانید و با یکدیگر وحدت نظر و محبت متقابل داشته، یکدل و یکرای باشید“ (فیلیپیان ۲: ۲). مشوقین آرزو دارند که ببینند کل کلیسا به بلوغ روحانی می‌رسند و خواست مسیح را تحقق می‌بخشند، این خواست را که ایمانداران در یگانگی روح و هدف زندگی کنند، چرا که به این شکل است که دنیا خواهد دانست که مسیح واقعاً کیست.

حضور همراهی‌کننده روح القدس:

نقش روح القدس در تهیه و ارائه موعظه

ترجمه میشل آقامالیان

تلفن به صدا در می‌آید؛ گوشی را بر می‌داریم، و با شنیدن صدای همکار عزیز خود بسیار خوشحال می‌شویم. همکارمان اخیراً شبانی کلیسایی را بر عهده گرفته است که با وجود اعضای کم، بسیار فعال و زنده است. خوش و بشی می‌کنیم و حال و احوال خانواده را جویا می‌شویم. اما ناگهان قیافه‌ای جدی به خود می‌گیریم، چینی در پیشانی‌مان پدیدار می‌شود و می‌گوییم: «یک لحظه اجازه بدهید نگاهی به تقویم بیندازم. عرض کنم که...، بسیار خب، یکشنبه ۱۷ دسامبر مناسب است. ... خواهش می‌کنم، چه زحمتی ... در خدمت خواهیم بود. .. اختیار دارید، ... خوشحال شدم، سلام به خانواده محترم برسانید، قربان شما، به امید دیدار.»

گوشی را می‌گذاریم، و ناگهان سنگینی بار تهیه موعظه را بر شانه احساس می‌کنیم. دستها را پشت سر قلاب می‌کنیم، و متفکرانه نگاه به سقف می‌دوزیم. ناگهان فکری به ذهنمان می‌رسد، در صندلی شق و رق می‌شویم، قهوه‌مان را هورتی می‌کشیم و سراغ آرشیو موعظت خود می‌رویم، و عنوانها را یکی پس از دیگری می‌خوانیم: «رشد در پاکي»، نه شاید چیزی گفتم به کسی بر خورد. «غیرت روحانی»، ای بابا اینها که ماشاالله از هر چه کم داشته باشند از غیرت کم ندارند. «تثلیث به زبان ساده»، موعظه خوبی است، ولی دفعه قبل بعد از جلسه گیرم انداختند و سؤال پیچ کردند... به این ترتیب، موعظه مناسبی پیدا نمی‌کنیم.

پس چه باید کرد؟ می‌دانیم که باید دعا کرد و از روح القدس کمک گرفت. اما این دقیقاً به چه معناست؟

در زیر ترجمه مصاحبه‌ای را آورده‌ام که موضوع آن نقش و کمک و حضور روح القدس در تهیه و ارائه موعظه است. مصاحبه‌شونده، کشیش بیل هایبلز درباره این موضوع و روش خود در تهیه موعظه توضیحات خواندنی و ارزنده‌ای می‌دهد. وی کشیش ارشد کلیسای ویلو کریک است که بالغ بر بیست هزار عضو دارد، و از کتابهای پرفروش وی، سه کتاب **شخصیت روحانی**، **روحانیت راستین** و **گرفتارتر از آن هستیم که دعا نکنیم**، به دست راقم این سطور، به فارسی ترجمه شده‌اند.

آقای هایبلز، آیا تا به حال پیش آمده که در قوت و قدرت روح القدس موعظه کنید؟

برای من اغلب، تأثیر و کمک روح القدس زمانی که مشغول تهیه موعظه هستیم، محسوس‌تر از وقتی است که پشت تریبون موعظه می‌کنم. یادم هست همین اواخر توی قایق نشسته بودم و داشتم همراه با دعا قسمتی از

کتاب مقدس را بررسی می‌کردم. ناگهان موضوعاتی برای موعظه به ذهنم خطور کرد. فوری قلم و کاغذی برداشتم و با منتهای سرعت، نزدیک به یک ساعت و نیم مشغول یادداشت موضوعاتی شدم که همین طور پشت سر هم به ذهنم می‌رسید. به این ترتیب، در یک نشست، موعظه خود را تهیه کردم و کار که تمام شد، همانجا توی قایق به زانو درآمدم و گفتم، «بزرگترین معجزه این موعظه همین الآن اتفاق افتاد». این عطایی بود که اصلاً استحقاقش را نداشتم - منظور عطای روحانی موعظه و تعلیم که از خداوند یافته‌ام - و روح القدس آن روز عصر این عطا را شکوفا کرد. هنوز که هنوز است از عملکرد اسرارآمیز و مافوق طبیعی عطای خود در عجبم.

از کجا می‌فهمید که در قوت و قدرت روح القدس موعظه می‌کنید؟

از اینجا که مثلاً افکاری به ذهنم می‌رسند که می‌دانم منشاء آنها قدرتی است غیر از قدرت خودم. یا مثلاً وقتی کتاب مقدس را می‌خوانم، احساس می‌کنم که روح القدس می‌گوید: همین جا مکث کن. یک بار دیگر هم این قسمت را بخوان، این بار آرام‌تر. بعد، همین طور که دارم متن فوق را می‌خوانم و توی ذهنم می‌گردانم و دوباره می‌خوانمش، انگار چیزی از آن صفحه کنده می‌شود یا از آسمان می‌افتد و در ذهنم جاگیر می‌شود. فکری به ذهنم می‌رسد و فوراً روی کاغذ می‌آورمش، پشت سر آن، فکر دیگری به ذهنم می‌رسد و همین طور افکار دیگر...

وقتی افکار بیشتری به ذهنم می‌رسند، می‌دانم که از خودم نیستند چون ذهن و فکر من به آن خوبی نیست. بنابراین، مطمئن می‌شوم که جریانی مافوق طبیعی در کار است. یک راه فهمیدن اینکه آیا عطای تعلیم و موعظه داریم یا نه این است که شاهد این اتفاق خودجوش مافوق طبیعی باشیم و یاد بگیریم که چطور با جریان آن همراه شویم. به این ترتیب، یاد می‌گیریم که قلب خود را برای آن آماده می‌کنیم و هر وقت شروع شد، با آن پیش برویم.

به اشتباه بودن چه افکاری درباره موعظه و نقش قدرت روح القدس پی برده‌اید؟

خیلی‌ها متنی را می‌خوانند، یکی دو نکته را به ذهن می‌سپارند و بعد شروع می‌کنند به بداهه‌گویی، ولی در سی سال گذشته من یک بار هم نتوانسته‌ام همچو کاری بکنم. بنابراین، متوجه شده‌ام که تهیه موعظه کار آسانی نیست و این اشتباه است که فکر کنیم کافی است به انتظار خدا بمانیم تا همیشه افکار بکر، همین طور سیلاب‌وار و اسرارآمیز به ذهنمان برسند.

مثل همان تجربه‌ای که در قایق داشتید؟

بله. شاید هم به خاطر غیرعادی بودنش این قدر زود یاد آن تجربه افتادم، چون معمولاً وقت زیادی را صرف تحقیق و آمادگی روحانی می‌کنم و موقع تهیه موعظه پیش‌رفتم خیلی کند است. اگر از دستیارم بپرسید،

می‌گوید که دفتر کارم بیشتر به مطب دندانپزشک می‌ماند تا جایی که بی‌کار بینشینم و صبر کنم تا خدا یک موعظه شسته‌رفته نصیبم کند. در واقع، دفترم بیشتر شبیه کارگاه است تا تالاری که مردم فقط می‌نشینند و به سمفونی گوش می‌دهند. باید عرض کنم، مدتی که بطور متوسط هر هفته صرف تهیه موعظه می‌کنم، طاقت فرساست و حالا بیش از چند دهه قبل که خدمتم را شروع کردم، به انضباط احتیاج دارم. وقتی خود را به این کار عادت می‌دهیم، طوری به آن خو می‌گیریم که وقتی کار آسان‌تر پیش می‌رود یا جریان روان و خودجوش-تری به خود می‌گیرد، نمی‌دانیم خدا را با چه زبانی شکر کنیم.

به نظر شما آیا، عباراتی مثل حضور روح القدس یا حضور آشکار روح القدس، برای وصف تجربه شما هنگام تهیه موعظه، مناسب‌اند؟

من ترجیح می‌دهم بگویم حضور همراهی‌کننده روح القدس. وقتی خودم را تا جایی که می‌توانم به جریان روح القدس می‌سپارم، احساس می‌کنم که انگار حضور همراهی‌کننده روح القدس می‌گوید، آفرین، کارت را درست انجام می‌دهی. مطالبی را که در ذهنت گذاشتم، داری عیناً نقل می‌کنی، و نسبت به خودت و کلام خدا و هدایت‌های من صداقت به خرج می‌دهی. همین‌طور ادامه بده.

وقتی این احساس به من دست می‌دهد، مثل این است که زمان متوقف می‌شود و من دارم پیش می‌روم. پیش خودم می‌گویم، چه عالی است که کارم را درست انجام می‌دهم.

البته، مواقعی هم هست که این حضور همراهی‌کننده را به این وضوح احساس نمی‌کنم. پیش آمده که چندین شب بیدار بمانم و فکرم درگیر این موضوع شود. ولی وقتی حضور روح القدس را احساس می‌کنم، جداً عالی-ست.

آیا این حضور همراهی‌کننده خدا را گه‌گاه احساس می‌کنید یا غالباً؟

غالباً. باز باید عرض کنم که اگر زندگی خود را کاملاً به روح القدس تسلیم کرده باشیم و از عطای تعلیم و موعظه برخوردار باشیم و منظم‌اً آن را در اختیار خدا قرار دهیم، احساس حضور روح القدس دال بر این است که در جای درستی قرار داریم و کار خود را بدرستی انجام می‌دهیم.

به نظر من اگر خدمتی به ملکوت خدا انجام می‌دهیم و بندرت حضور روح القدس را احساس می‌کنیم، این یعنی علامت قرمز. احتمالاً باید در مورد مسأله‌ای تجدید نظر کنید. شاید باید از خود پرسید: آیا عطای خود را درست تشخیص داده‌ام؟ آیا به روش درستی از آن استفاده می‌کنم؟ انگیزه‌هایم درستند؟ در چارچوب درستی به کار می‌پریشان؟ من شخصاً اگر حضور روح القدس را پیوسته احساس نکنم، نگران می‌شوم.

کتاب مقدس دو جنبه برای تجربه ما از روح القدس ترسیم می‌کند. در افسسیان می‌خوانیم: «از روح القدس پر شوید» و «در روح دعا کنید». مطابق این توصیه‌ها، کارهایی وجود دارد که اگر انجام بدهیم در موقعیتی

قرار خواهیم گرفت که روح خدا در ما جلوه‌گر خواهد شد. جایی دیگر عیسی می‌گوید: «باد به هر جا که بخواهد می‌وزد.» حال ممکن است بفرمایید که تجربه شما کدام یک از اینهاست؟

از هر کدام از واعظان بزرگی که من می‌شناسم بپرسید، توضیح خواهد داد که چگونه خود را برای "ورود به میدان" آماده می‌کند. حتی مایکل جردن هم، قبل از هر بازی بزرگی، رژیم بسیار دقیقی دارد تا بتواند با حداکثر توانش بازی کند.

این واقعاً حیرت‌انگیز است. معمولاً از واعظان دیگر سوال می‌کنم: «شما چطور برای موعظه آماده می‌شوید؟ چطور دعا می‌کنید؟ از کی خودتان را آماده می‌کنید؟ آیا بالای منبر موعظتان را آماده می‌کنید؟ ضمن کار به موسیقی گوش می‌دهید؟ لحظات آخر چطور خود را آماده می‌کنید؟» واعظان بزرگ دقیقاً شرح می‌دهند که چگونه امکان حضور قدرتمندانه روح‌القدس را در زندگی خود، تقویت می‌کنند.

این کارها که انجام شد، آن وقت، باد هر جا خواست می‌وزد و گاهی هم قوی‌تر از دفعات دیگر می‌وزد. ولی در هر حال من باید وظایفم را تمام و کمال انجام دهم. می‌توانم روزه بگیرم و دعا کنم و در حضور خدا زانو بزنم و از دیگران هم بخواهم که با من در دعا متحد شوند.

گاهی اوقات پیغام موعظه تا ارتفاع پانزده هزار پا اوج می‌گیرد، گاه تا بیست هزار پا و بعضی وقتها هم تا بیست و پنج هزار پا. حالا چرا این ارتفاعات با هم متفاوت است، نمی‌دانم.

شما از کتاب‌مقدس درباره موعظه در قوت و قدرت روح چه یاد گرفته‌اید؟

یاد گرفته‌ام که موعظه در قدرت روح بیشتر با شجاعت ارتباط دارد. کافی است نگاهی به پیامهای تکان‌دهنده‌ای بیندازید که در کتاب‌مقدس ثبت شده‌اند. یوشع در برابر مردم می‌ایستد و می‌گوید: «امروز تصمیم خودتان را بگیرید که چه می‌خواهید بکنید. تصمیم من این بود که شنیدید.» در باب دوم کتاب اعمال می‌خوانیم که پطرس می‌ایستد و می‌گوید: «شما این بلا را به سر فرستاده خدا آوردید.»

در واقع موعظه مستلزم شجاعت و تهور بسیار است. اگر بخواهید کلام خدا را با همان حال و هوایی که دریافت کرده‌اید بیان کنید، باید پیه و اکنشهای خصمانه را به تن خود بمالید.

من به تجربه دیده‌ام که موعظت مؤثری که تا به حال ایراد کرده‌ام و بهترین درس‌هایی که در کنفرانسها داده‌ام، آنهایی بوده‌اند که قبل از رفتن پشت تریبون، درباره‌شان به خود می‌گفتم، *خدا یا آخر من چطور می‌توانم این حرفها را به مردم بزنم.* خدا می‌گوید، شروع کن، و شما هم شروع می‌کنید.

وقتی موعظه تکان‌دهنده خود را می‌کنید، می‌دانید که از بهبه و چه‌چه مردم خبری نخواهد بود و احتمالاً دیگر کسی عکستان را توی کیفش نخواهد گذاشت. ولی از طرفی کاملاً مطمئن‌اید که دقیقاً چیزی را می‌گویید که خدا می‌خواهد. این فرایندی است تطهیرکننده، شخصیت‌ساز و بسیار روحانی.

پولس در دوم قرن‌تیاں ۱۲ می‌گوید که وقتی ضعیف است قدرت مسیح بر او قرار می‌گیرد. آیا تا به حال همچو اتفاقی برای شما افتاده؟

راستش، بعضی از بهترین موعظه‌هایم را زمانی کرده‌ام که در منتهای عجز بوده‌ام. یکی از موعظاتی که شاید پانصد مرتبه کرده باشم، زمانی موضوعش به ذهنم رسید که در زاغه‌نشینهای حومه سوئو در آفریقای جنوبی بودم. آنجا می‌بایست برای چندین هزار نفر که سواد نداشتند، درباره ماهیت کلیسای عیسی مسیح حرف بزنم. پیش خودم گفتم که این کار شدنی نیست. آخر چطور می‌توانستم همچو الهیاتی را به مردمی توضیح بدهم که به عمرشان چیزی را که از آن حرف می‌زدیم، ندیده بودند؟

ساعت چهار صبح بیدار شدم و دعا کردم: «خدایا، من با فروتنی آن قدر در حضورت بر زانوان می‌مانم تا به من نشان دهی که چطور برای این مردم طوری درباره کلیسا صحبت کنم که برایشان قابل فهم باشد.» نتیجه این شد که توانستم موعظه‌ای منحصر به فرد تهیه کنم؛ در طی موعظه از افراد مختلف خواستم که بالای سن بیایند و برای آنکه تصویری از کلیسا به مردم داده باشم، از آنها خواستم تا حالت‌های خاصی به خود بگیرند. آن روز که این موعظه را کردم، می‌دانستم حضور همراهی‌کننده روح‌القدس با من است. مردم مقصودم را فهمیدند و درکشان راجع به ماهیت کلیسا کلاً عوض شد. این پیام حاصل موقعیتی بود که اگر خدا مداخله نمی‌کرد، از دست من درمانده کاری بر نمی‌آمد.

آشنایی با فرقه‌های مسیحیت

بخش چهارم: ژان کالون و کلیساهای پرزبیتری

تحقیق و نگارش: آرمان رشدی

در شماره‌های گذشته، در این سلسله از مقالات، به بررسی عقاید و آیینهای کلیساها و فرقه‌های مختلف مسیحیت پرداختیم. نخست به کلیسای کاتولیک پرداختیم و سپس در شماره ۳۶، نگاهی گذرا به زندگی لوتر، نخستین اصلاح‌گر، و عقاید او و کلیساهای لوتری انداختیم و معنی اصطلاح ”پروتستان“ را شرح دادیم. در شماره ۳۹، بر این نکته تأکید گذاریم که خادمین هر کلیسا باید دقیقاً از اصول اعتقادات و آیین‌های فرقه خود و نیز شیوه اداره کلیسا در آن فرقه آگاهی داشته باشند.

نکته بسیار مهمی که در شماره گذشته به آن اشاره کردیم، این تفکر لوتر و سایر اصلاح‌گران بود که هر کس می‌تواند کتاب‌مقدس را بخواند و تفسیر کند؛ این عقیده واکنشی بود در مقابل اعتقاد کلیسای کاتولیک که می‌گفت فقط کلیسا حق تفسیر کتاب‌مقدس را دارد. اصلاح‌گران به مرجعیت مطلق کتاب‌مقدس معتقد بودند، به این معنی که می‌کوشیدند تمام عقاید الهیاتی و آیینهای کلیسایی و شیوه اداره کلیسا را با الگویی که در کتاب‌مقدس ارائه شده، منطبق سازند. همچنین اشاره کردیم که اگر ”هر کسی“ می‌تواند کتاب‌مقدس را به زبان مادری خود بخواند و آن را تفسیر کند، چرا فقط لوتر می‌بایست دست به چنین کاری بزند و برای پیروان خود، اصول اعتقادات و آیینها و شیوه اداره کلیسا ابداع کند. چرا دیگران هم چنین نکنند؟ و همینطور هم شد! همزمان با قیام لوتر، عده‌ای از یاران او در برخی فروع دین با او مخالف بودند و تفسیر ”خودشان“ را از کتاب‌مقدس ارائه می‌دادند. یکی از این فروع – البته اگر بتوان نامش را ”فرع“ گذاشت- موضوع مفهوم و اهمیت آیین عشاء ربانی بود. بنا بر این دلایل، افراد برجسته دیگری نیز ظهور کردند که، بر اساس شعار لوتر، دست به تفسیر کتاب‌مقدس زدند و عقاید و اصولی متفاوت با تفسیر لوتر به دست دادند. برجسته‌ترین چهره در این میان، متفکری است فرانسوی، به نام ژان کالون. همانطور که در شماره قبل گفتیم، کالون تأثیر شگرفی بر شکل‌گیری اعتقادات و آیینها و شیوه اداره کلیساهایی گذاشت که همگی جزو مذهب پروتستان به‌شمار می‌آیند.

زندگی و اقدامات کالون

ژان کالون در سال ۱۵۰۹ در شهر نویون، در ایالت پیکاردی، در شمال شرقی فرانسه، چشم به جهان گشود. او تا سال ۱۵۳۶، یعنی تا ۲۶ سالگی در دانشگاههای مختلف فرانسه به تحصیل زبانهای یونانی و

لاتین و ادبیات یونان و روم باستان مشغول بود و آثاری در این زمینه‌ها به رشته تحریر در آورد. در این دانشگاهها بود که با عقاید اصطلاح‌طلبانه مذهبی لوتر و یارانش آشنا شد. در سال ۱۵۳۳ او رسماً به اعتراضات اصلاح‌گران پیوست. به همین دلیل، وادار به ترک فرانسه شد و به سوئیس رفت و در آنجا به نگارش آثار مذهبی خود پرداخت. نخستین اثر او، کتاب کوچکی بود به نام "نهادهای مذهب مسیحیت" که خطاب به پادشاه فرانسه نوشته شده بود تا او را به مدارا با اصطلاح‌طلبان و پیوستن او به این نهضت تشویق نماید. این کتاب بارها مورد تجدید نظر قرار گرفت تا اینکه سرانجام در سال ۱۵۵۹ در چهار جلد منشر شد که امروز نیز موجود است. این کتابی است حجیم در خصوص الهیات.

باید توجه داشت که سوئیس کشوری بود آزاد و دموکراتیک، و هر ایالت آن، توسط یک شورا اداره می‌شد. پس از کشمکشهایی، بخش فرانسوی‌زبان سوئیس، عقاید اصلاح‌گران را پذیرفت، و یکی از بزرگان این نهضت، کالون را تشویق کرد که در ژنو بماند و رهبری این نهضت را عهده‌دار شود. کالون، بجز دوره‌ای کوتاه، تا پایان عمرش، در سوئیس باقی ماند. او در آنجا، اصول اعتقادات مسیحی و اصول آیینی و نیز شیوه اداره کلیساها را، آنگونه خود از کتاب مقدس برداشت می‌کرد، در کتاب‌های مختلف نوشت. از آنجا که کالون معتقد بود که حکومت و کلیسا باید یکدیگر را حمایت کنند، مذهب او حالتی اجتماعی به خود گرفت. از اینرو، کسانی که با اصول مذهبی او مخالف بودند، تکفیر می‌شدند یا به مجازات می‌رسیدند. در دوره حیات او، ۵۸ نفر به جرم مخالفت با اصول مسیحیت اعدام شدند و ۷۶ نفر تبعید. کالون در سال ۱۵۶۴ به درود حیات گفت. از برجسته‌ترین کارهای کالون، نگارش کتاب مهم "نهادهای" است که بنیاد الهیات اصلاح‌شده را تبیین می‌کند و مورد قبول اکثریت کلیساهای پروتستان می‌باشد. کلیساهایی که تحت تأثیر اصول اعتقادی او قرار دارند، به "کلیساهای اصلاح‌شده" معروف‌اند. او همچنین تفسیرهای متعددی بر کتاب‌های کتاب مقدس نوشت. کالون به امر تحصیل مردم توجه وافری داشت و نظامی متشکل از سه سطح ابداع کرد که سطح سوم آن آکادمی بود که بعدها تبدیل شد به دانشگاه ژنو. تأکید او بر تحصیلات، بعدها در آمریکا به دست پوریتانهای کالوینی به شکل تأسیس مدارس و کالج‌ها نمودار شد. شیوه دموکراتیک و شورایی اداره کلیسا که احتمالاً الهام‌یافته از روش دموکراتیک و شورایی ایالات سوئیس بود، به اشاعه دموکراسی در کشورهای غربی کمک فراوانی کرد. همچنین گفته می‌شود که تأکید او بر کار و کوشش و تولید همچون عطیه‌ای الهی، سبب شکوفایی سرمایه‌داری گردید.

آراء و عقاید کالون

کالون نظامی کاملاً نوین در عرصه اعتقادات و آیینها و شیوه اداره کلیسا ارائه داد که ذیلاً خلاصه‌ای از هر یک از آنها را، بیشتر به صورت رؤس مطالب، ارائه می‌دهیم.

الهیات کالون

- آنچه که بر الهیات کالون سایه‌گستر است، اعتقاد او در باره حاکمیت مطلق خدا است. طبق تفسیر او از کتاب مقدس، خدا در اعمال و تصمیمات خود حاکمیت مطلق دارد و کسی را اجازه آن نیست که تصمیمات او را مورد سؤال قرار دهد (ر.ک. رومیان ۹: ۱۴-۲۴).
 - انسان و اراده‌اش در اثر سقوط، به‌طور کامل تباه شده است. او قادر نیست قدمی برای نجات خود بر دارد، زیرا اراده‌اش از ریشه تباه و فاسد شده است.
 - فقط کسانی نجات می‌یابند که طبق اراده حاکمانه خدا، بدون هیچ قید و شرطی، از پیش برگزیده شده باشند. این برگزیدگی به‌طور کامل بستگی به اراده خدا دارد، به این معنی که خدا عده‌ای را از پیش، طبق اراده حاکمانه خود برای نجات برگزید و عده‌ای را برای هلاکت جاودانی. انسانی که از پیش برای نجات برگزیده نشده باشد، به هیچ وجه نمی‌تواند نجات یابد.
 - کار مسیح بر روی صلیب محدود و منحصر می‌شود به آنانی که از پیش برگزیده شده‌اند.
 - فیض خدا غیر قابل مقاومت می‌باشد. آنانی که از پیش برگزیده شده‌اند، بدون توجه به میل اولیه خودشان نجات می‌یابند، زیرا روح القدس آنان را به‌شکلی مقاومت‌ناپذیر بسوی نجات می‌کشانند.
 - آنانی که از پیش برای نجات برگزیده شده‌اند و در اثر کار روح القدس بسوی نجات هدایت شده‌اند، محال است که در نهایت نجات خود را از دست بدهند.
- این اصول الهیاتی کالون نه فقط در کلیساهای پرزبیتری که او بنیان گذاشت، بلکه بعدها از سوی سایر فرقه‌های اصلی پروتستان (نظیر کلیسای انگلیکن و باپتیست و برادران) پذیرفته شد، بجز از سوی کلیساهای متودیست، و بعدها، کلیساهای پنطیکاستی.

آیینهای مقدس از نظر کالون

کالون به دو آیین مقدس معتقد بود، تعمید و عشاء ربانی:

- در کلیسای پرزبیتری (کلیسایی که کالون بنیاد نهاد)، غسل تعمید یکی از دو آیین مجاز طبق عهدجدید می‌باشد. در این کلیسا، غسل تعمید می‌تواند با پاشیدن یا ریختن آب بر سر تعمیدخواهان صورت گیرد. نوازدان و کودکان را نیز می‌توان تعمید داد. این دست از کودکان، در سنین بلوغ، می‌توانند با طی آیین تأیید، به عضویت کلیسا در آیند.
- بر خلاف کلیساهای کاتولیک و ارتودکس که معتقدند عناصر عشاء ربانی، یعنی نان و شراب، بعد از دعای تقدیس کشیش واقعاً به بدن و خون مسیح تبدیل می‌شود (آموزه transubstantion)، و نیز بر خلاف نظر لوتر که معتقد بود بدن و خون مسیح به‌شکل فیزیکی بر نان و شراب قرار می‌گیرد (آموزه co-substantion)، کالون معتقد بود که هیچ تغییری در عناصر عشاء ربانی صورت نمی‌گیرد، بلکه

ایماندار، به واسطه ایمان، به شکلی روحانی در بدن و خون خداوند ما سهیم می‌گردند. به عبارت دیگر، مسیح در عناصر عشاء ربانی، حضوری روحانی دارد، نه فیزیکی.

شیوه اداره کلیسا

کالون با روش مبتنی بر سلسله‌مراتب که نزد کلیساهای ارتودکس و کاتولیک و لوتری پذیرفته شده بود، مخالف بود و برای اداره کلیسا، نظامی شورایی اتخاذ کرد. طبق این نظام، در کلیسای پرزبیتری که او پدید آورد، چهار نوع منصب باید وجود داشته باشد: انجمن شبانان که وظیفه موعظه و اعمال انضباط را بر عهده دارند؛ گروه معلمان که عهده‌دار تعلیم بودند؛ گروه شماسان که عهده‌دار امور خیریه بودند؛ و از همه مهم‌تر، شورایی متشکل از خادمان و مشایخ (به یونانی: پرزبیتر - presbyteros، که عنوان کلیسای پرزبیتری نیز از همین واژه اخذ شده است)، که از سوی جماعت انتخاب می‌شوند و ناظر بر کلیه امور الهیاتی و اخلاقی و فعالیت‌های کلیسا می‌باشند.

کلیساهای پرزبیتری

کلیساهایی را که از نظر اصول اعتقادات و آیینی و خصوصاً شیوه اداره کلیسا پیرو ژان کالون هستند، پرزبیتری (یا مشایخی؛ Presbyterian) می‌نامند. گرچه همانطور که گفتیم، اکثریت فرقه‌های پروتستان پیرو اصول الهیاتی کالون هستند، اما فقط کلیساهای پرزبیتری شیوه اداره کلیسا را طبق نظر کالون اتخاذ کرده‌اند. در واقع باید گفت که کلیسای پرزبیتری آن نوع کلیسایی است که مستقیماً کالون به آن شکل بخشید. فرقه‌های دیگر پروتستان که فقط از نظر اصول الهیات پیرو کالون هستند، "کالوینیست" نامیده می‌شوند (نظیر کلیسای انگلیکن و بپتیست و برادران و غیره، بجز کلیساهای متودیست و پنطیکاستی).

کلیساهای پرزبیتری در جهان معمولاً دارای این سلسله‌مراتب هستند: جماعت (Kirk Session)، هیأت مشایخ، شورا، و مجمع عمومی. تمامی این هیأت‌ها متشکل از خادمین و مشایخ هستند. مشایخ نمایندگان انتخابی جماعت هستند، اما منصبشان عضویت در یکی از چهار هیأتی می‌باشد که نام بردیم. ایشان می‌توانند به خدمات موعظه یا تعلیم یا برگزاری آیین‌های مقدس پردازند. خادمین را مردم انتخاب می‌کنند اما انتصاب یا دستگاری‌شان توسط هیأت مشایخ صورت می‌گیرد.

کلیساهای پرزبیتری اصول اعتقادی خود را در مجموعه‌ای گرد آورده‌اند که به "اصول اعتقادی یا اعتراف‌نامه وست‌مینستر" معروف است. این اعتراف‌نامه در سال ۱۶۴۸ در مجمع عمومی کلیساهای پرزبیتری تصویب شد و از سوی پارلمان اسکاتلند به تأیید رسید. بعدها اعتراف‌نامه‌های فرعی دیگری (نظیر اعلامیه بارمن) نیز از سوی کلیساهای پرزبیتری آمریکا به‌کار گرفته شد.

امروزه کلیساهای پرزبیتری در سراسر جهان یافت می‌شود، اما تمرکز عمده آنها در ایالات متحده آمریکا، اسکاتلند (تنها کشوری که کلیسای دولتی‌اش پرزبیتری است)، مجارستان، هلند، ایرلند شمالی، سوئیس،

فرانسه، کامرون و کره جنوبی می‌باشد. در ایران، کلیسای پرزبیتری به کلیسای «انجیلی» معروف شده است و دارای چندین شعبه در تهران و شهرستانها می‌باشد.

همین مختصر کافی است تا بر تأثیر عمیقی که ژان کالون بر مذهب پروتستان گذاشته است، پی ببریم. به عبارتی دیگر، اکثریت پروتستانهای جهان، الهیات خود را مدیون او می‌باشند. در خاتمه، از همسنگران عزیز ایرانی‌ام، خاصه آنانی که در سنگر کلیسای پرزبیتری خدمت می‌کنند، استدعا دارم که چنانچه اشتباه یا نقصی در این مقاله مشاهده کرده‌اند، یا نکته‌ای برای تکمیل این مطالب به نظر گرامی‌شان می‌رسد، حتماً دفتر مجله را مطلع سازند تا در شماره آینده، در همین بخش درج کنیم. در شماره آینده، به بررسی تاریخچه کلیسای باپتیست و اصول اعتقادی آنها خواهیم پرداخت.

منابع مورد استفاده:

Earle E. Cairns: Christianity through the Centuries

E. A. Livingstone: Oxford Dictionary of the Christian Church

The Oxford Companion to Christian Thought

تشخیص دعوت الهی برای خدمت

بخش پنجم: چگونه خدمت خود را کشف کنیم

نوشته کشیش تت استیوارت

”زیرا ساخته دست خداییم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام بر داریم“ (افسیان ۲: ۱۰).

تشخیص دعوت خدا برای خدمت فرایندی است که معمولاً مستلزم زمان است. دیدیم که دعوت خدا شامل شهادتی است درونی که از طریق آن، احساس اشتیاق شدیدی برای خدمت به خدا می‌کنیم، اشتیاقی که با گذشت زمان، شدیدتر می‌شود. در مزمور ۲۵، به حالات و نگرشهای خاصی که خادم خدا باید دارا باشد تا دعوت الهی و درونی را بهتر بشنود، توجه کردیم. دعوت خدا را همچنین می‌توان از طریق دعوتی بیرونی تشخیص داد که از طریق آن، کلیسا تأیید می‌کند که خصوصیات و عطا‌های لازم برای خدمت به کلیسا را داریم یا نه. چه احساس زیبایی است وقتی که تجربه فردی شخص با اشتیاق به خدمت به مسیح دست به دست هم می‌دهند و کلیسای خاصی نیز آن را تأیید می‌کند! هیچگاه از یاد نمی‌برم که در هفته‌های آخر دوره دانشگاهی‌ام، پیش از فارغ‌التحصیلی، چه احساسی داشتم: هیچ دعوتی احساس نمی‌کردم. تا اینکه سرانجام کلیسایی علاقه خود را به خدمت من نشان داد و مرا به شبانی دعوت کرد. در اینجا بود که احساس شادی و آرامش کردم چرا که دانستم دعوت من برآستی از سوی خدا بوده است! از آن زمان به بعد، هر خدمتی که در طول این ۳۳ سال انجام داده‌ام، همراه بوده است با این آرامش که دعوت من از سوی خدا است، نه از خودم. چقدر آرزو دارم که هر یک از شما که این مقاله را می‌خوانید، همین اطمینان را داشته باشید!

خدمت خاص من چیست؟

موضوعی که هنوز بدون پاسخ باقی مانده، ممکن است این باشد که ”خدا مرا به چه خدمت خاصی فرا می‌خواند؟“ امیدوارم بتوانم شما را در یافتن پاسخ به این سؤال کمک کنم. پولس در افسسیان ۲: ۱۰ تعلیم می‌دهد که خدا برای هر یک از ما ”کارهای نیکی“ فراهم ساخته است. به نفع ما است که آن ”کار نیکی“ خاص را برای خود کشف کنیم. سالها پیش در تبریز، به فروشگاه کفشی رفتم و متوجه شدم که در آن، کفشی به اندازه پای من وجود ندارد. اما صاحب فروشگاه مرتب سعی می‌کرد کفش‌هایی را به پای من کند که به اندازه من نبود. او مرتب به من اطمینان می‌داد که کفش مناسب من خواهد بود، اما من تنها چیزی که احساس می‌کردم، درد ناشی از فشار دادن اجباری پایم داخل کفش‌های کوچک بود. ما نیز به همین ترتیب، اغلب

می‌کوشیم خود را در خدمت خاصی ”جا کنیم“ که مناسب عطاها و شخصیت ما نیست. پس چگونه می‌توانیم کشف کنیم که ”خدمت کاملاً مناسب“ ما چیست؟

سوالاتی برای کشف دعوت خاص خود

سالها است که سوالات زیر را به کار می‌برم تا به دیگران کمک کنم که به این موضوع حیاتی بیندیشند. در اینجا نیز قویاً به شما توصیه می‌کنم که به این سوالات با دقت برای خود پاسخ دهید:

برای کدام خدمت اشتیاق وافر دارید؟

برای کدام خدمت اشتیاق وافر دارید؟ چه چیزی دل شما را به‌طرف خود می‌کشد و شما را به عمل و می‌دارد؟ از خود بپرسید که قهرمانان شما در خدمت چه کسانی هستند؟ به خواندن چه نوع کتاب‌هایی علاقه دارید؟ من شخصاً خیلی زود کشف کردم که واعظان بزرگ را خیلی تحسین می‌کنم و دوست دارم مطالبی در مورد واعظان و موعظه بخوانم. اشتیاق انگیزش‌دهنده من موعظه است. وقتی موعظه می‌کنم، خود را از یاد می‌برم و در جلال تعلیم حقایق الهی به دیگران محو می‌شوم. اشتیاق شما چیست؟

به کدام نیازها توجه دارید؟

کدام نیازها در بدن مسیح بیشتر نظر شما را جلب می‌کند؟ آیا گروه سنی خاصی هست که برای آن دلمشغولی دارید؟ آیا به نیازهای مادی توجه دارید یا نیازهای روحانی؟ فهرستی از نیازهایی را در کلیسای خود تهیه کنید که بیشتر توجه شما را جلب می‌کند. به این ترتیب، نشانه دیگری خواهید یافت برای کشف دعوت خود.

کدام خدمت شما باعث برکت دیگران می‌شود؟

کدامیک از خدماتی که انجام داده‌اید، باعث برکت دیگران شده است؟ متأسفانه، بعضی افراد به دلایل نادرستی، در خدمتی معین قرار گرفته‌اند. مثلاً ممکن است شخص از ایستادن در مقابل جماعت و رهبری بخش پرستش یا موعظه کردن شخصاً لذت ببرد چرا که حس بزرگنمایی‌اش ارضاء می‌شود. اما سؤال این نیست که ”چه چیزی به من احساس لذت می‌دهد“، بلکه سؤال این است که ”خدا چه چیزی را به‌کار می‌برد.“ تشخیص اینکه آیا خدمت ما باعث برکت هست یا نه، اغلب کار ساده‌ای نیست. به همین منظور، ممکن است لازم باشد نظر یکی از دوستان مورد اعتمادمان را جویا شویم. این کار ممکن است به‌نوعی تهدیدکننده باشد، اما می‌تواند حقایقی را بر ما آشکار سازد که درک ما را از خدمت تغییر دهد. مثلاً اگر هر بار که گروهی را شبانی کرده‌اید، جدایی و رنج پدید آمده، باید صادقانه از خود سؤال کنید که آیا در خدمت درستی قرار دارید یا

نه. بکوشید کشف کنید که چه زمانی و چگونه خدا واقعاً از طریق شما باعث رشد روحانی و برکت دیگران شده است.

در کدام خدمت بیشتر پیشرفت کرده‌اید؟

در کدام خدمتی که انجام داده‌اید، پیشرفت بیشتری مشاهده می‌کنید؟ اعتقاد راسخ دارم که وقتی عطای خدادادی خود را کشف کنید، در آن زمینه سخت به مطالعه خواهید پرداخت و در کارایی خود پیشرفت خواهید کرد.

واکنش دیگران به خدمت شما چیست؟

در کدام خدمت خود، اظهارنظرهای دیگران را دریافت می‌کنید؟ شخص دانا می‌داند چگونه واکنشهای دیگران را به درستی ارزیابی کند. اظهارنظرهای منفی می‌تواند بسیار ویرانگر باشد، اما معمولاً در آنها حقایق سازنده‌ای نهفته است. وقتی تازه شروع به موعظه کرده بودم، افراد جوان نزد من می‌آمدند و می‌گفتند که موعظه‌هایم خسته‌کننده است. شنیدن چنین چیزی مرا دل مرا شکست، اما باعث شد که سعی کنم طوری موعظه کنم که به زندگی مردم مربوط باشد و تمثیل‌های بهتری به‌کار ببرم. اظهارنظرهای مثبت می‌تواند بسیار دلگرم‌کننده باشد و به ما کمک کند تا واکنش دیگران را نسبت به خدمت خود درک کنیم؛ از این بابت باید شکرگزار باشیم. اما این امر می‌تواند باعث غرورمان گردد و فکر کنیم که در کارمان بسیار خوب عمل می‌کنیم. بسیار مؤثر است که تشخیص دهیم خدا در کدام زمینه‌ها ما را به‌کار می‌برد، و بکوشیم در این زمینه‌ها بیشتر کار کنیم تا به پیشرفتهای بیشتری نائل آییم.

چه موقعیت‌هایی در مقابل خود دارید؟

در مقابل خود چه فرصت‌هایی مشاهده می‌کنید؟ برخی از خادمان مسیحی در رؤیا زندگی می‌کنند و منتظر خدمتی کامل هستند. منتظر بهترین فرصت نباشید. در همان جایی که هستید، شروع به خدمت کنید. در دفتر کارم پوستری داشتم که بر روی آن چنین نوشته شده بود: ”در همان جا که کاشته شده‌اید، شکوفا شوید“. باید خدا را در همان موقعیتی که هستیم خدمت کنیم. اگر پناهنده‌ای هستید که در اردوگاه پناهندگان زندگی می‌کند، درست در همانجا که هستید، شروع به خدمت کنید. اگر در کلیسایی هستید که ظاهراً مرده است، ابتکار عمل به‌خرج دهید و جلسه‌ای برای دعا شروع کنید. هدف این است که با واقعیت موقعیتی که در آن قرار دارید، روبرو شوید و دست به خدمت بزنید. در را خدا باز می‌کند، اما ما باید شروع کنیم به کوبیدن در.

دعا می‌کنم که با پاسخ گفتن به این سؤالات، روح‌القدس شما را در تشخیص خدمتی که خدا از شما انتظار دارد، هدایت کند. در شماره بعدی، در مورد اشتباهات رایجی که رهبران مسیحی در زمینه تشخیص دعوت خدا به خدمت مرتکب می‌شوند، بحث خواهم کرد.